

# واکاوی ابعاد و کارکردشناسی پیشگویی فراعصری نبوی در شناساندن هدایت‌گران الهی

علیرضا جانعلی زاده چناری<sup>۱</sup>

## چکیده

پیامبر اکرم(ص) در طول حیات مبارک خویش با روش‌های متعددی به هدایت‌گری جامعه پرداختند. با توجه به ضرورت هدایت‌گری در اعصار مختلف، ایشان در دوران حیات خود به صورت فراعصری برای دورانی که حضور فیزیکی نداشتند، در قالب پیشگویی اقدام به شناساندن هدایت‌گران الهی در جامعه نمودند. این پیشگویی‌ها صرفاً خبر از آینده نبوده، بلکه به عنوان فرد حکیمی که وظیفه هدایت و سعادت جامعه را داشته، اهدافی را دنبال نموده‌اند. یکی از مسائل قابل تحقیق در سیره نبوی، پیشگویی‌های صادر شده با رویکرد شناساندن هدایت‌گران الهی در جامعه اسلامی بوده است. مسئله پژوهش حاضر آن است که شناساندن هدایت‌گران الهی توسط پیامبر اکرم(ص) در قالب پیشگویی شامل چه ابعادی بوده و چه کارکردهایی را دنبال نموده است؟ ضرورت ابعاد و بیان کارکردهای شناساندن هدایت‌گران الهی از طرفی موجب شناخت ابعاد هدایتی پیامبر اکرم(ص) به صورت فراعصری، همچنین نگاه آینده‌نگر در منش آن بزرگوار برای زدودن غبار فتنه و هموار نمودن مسیر هدایت آشکار می‌گردد. در پایان به این نتیجه رسیده است که رسول خدا(ص) برای هدایت جامعه در حوادث مختلف در قالب پیشگویی از طرفی اقدام به شناساندن هدایت‌گران الهی در دو لایه؛ معرفی اهل بیت(ع) و شخصیت‌های شاخص به عنوان معیار و الگو، همچنین خواص ضلالت‌گر را بیان نمودند که کارکردهایی از جمله: تبیین جریان حق و باطل؛ شاخص سنجی و معیار شناخت باطل؛ شناساندن عناصر مانع در هدایت‌گری را دنبال نموده است.

این تحقیق از سنخ پژوهش‌های تاریخی با رویکرد توصیفی تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای تهیه گردیده است.

**واژگان کلیدی** هدایت؛ اهل بیت؛ پیشگویی؛ پیامبر و آینده‌نگری

---

<sup>۱</sup> دانش پژوه سطح ۴ حوزه علمیه، قم، ایران. janalizadeh۳۱۳@gmail.com

## مقدمه

خدای متعال در قرآن کریم وجود مقدس خاتم الانبیا(ص) را هدایت‌گر جامعه معرفی نموده و فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه ۹ : ۳۳) پیامبر اکرم(ص) در طول حیات مبارک خویش با ابزارهای مختلف نسبت به افراد متفاوت به هدایت‌گری پرداختند، فلذا فلسفه بعثت نبوی، هدایت به دین حق و منتهی شدن به سعادت و کمال امت می‌باشد. پس از فحوص و بررسی در سیره نبوی، بُعدی که بیشتر به آن پرداخته شده هدایت‌گری پیامبر اکرم(ص) در دوران حضور بوده اما در این پژوهش ابعاد هدایت‌گری همراه با کارکردشناسی آن توسط رسول خدا(ص) به صورت فراعصری در دورانی که حضور نداشتند هم در قالب پیشگویی قابل بحث می‌باشد؛ چرا که هدف از پیشگویی صرفاً خبر از آینده نبوده بلکه پیامبر خدا(ص) این پیشگویی‌ها را بر اساس کارکردهای مشخصی بروز داده اند که قابل تحقیق و بررسی است. این پژوهش با رویکرد تحلیل محتوا به صورت توصیفی تحلیلی، ابعاد و کارکردشناسی پیشگویی‌های پیامبر اکرم(ص) را بررسی نموده است.

پژوهشی مبتنی بر موضوع مذکور یافت نشد. گرچه برخی کتب در بیان پیشگویی‌های نبوی نگارش شده اما به ابعاد و کارکردشناسی پیشگویی‌ها پرداخته نشده و جنبه نوآوری دارد.

در کتاب اخبار غیبی یا پیشگویی‌های پیامبر اعظم(ص) (واصف لاهیجی، ۱۳۹۱) به صرف پیشگویی و اخبار غیبی در حد بیان کرامت پرداخته و کارکردشناسی آن‌ها را بیان نکرده است.

مقاله علی(ع) وصی و جانشین پیامبر اکرم(ص) (مشکین نژاد، پرویز، فرهنگ، بهار زمستان ۱۳۷۹، شماره ۳۳، صفحه ۷۹) که صرفاً به پیشگویی‌های تاریخی پیامبر اکرم(ص) بر جانشینی حضرت علی(ع) اشاره نموده و به ابعاد هدایت‌گری و کارکردشناسی پیشگویی نپرداخته است.

## مفهوم شناسی

در کتب لغت؛ عمل و کار شخص پیشگو، پیش گوینده، کهنانت، غیب گویی و اخبار از آینده را «پیشگویی» گویند. (معین، ۱۳۸۶: ۶۹۵) واژه «ملاحم» نیز از جمله واژه هایی است که در زبان عربی در مفهوم «پیشگویی» به کار رفته است. «پیشگویی» بیشتر جنبه فرامادی دارد و در ارتباط با عالم غیب به کار می‌رود که بعد معنوی و دینی دارد همچنان که در زبان انگلیسی هم واژه پیامبر (Prophet) و پیشگویی (Prophecy) از یک ماده هستند. در واقع «پیشگویی» در جایی است که از طریق عادی دسترسی وجود ندارد اما «پیش بینی» به معنای حدس زدن وقایع آینده از علل، اسباب و قرائن موجود می باشد. (معین ۱۳۸۶: ۶۸۴) به عنوان مثال، گاهی پزشک با دیدن احوال فرد بیمار می‌تواند بگوید که او بهبود خواهد یافت و یا خواهد مُرد! این به معنای پیش بینی از قرائن موجود است. شاهد مثال عینی دیگری که می‌توان اشاره نمود، این است که در بیان وضعیت جوّی گفته می‌شود پیش بینی وضع هوا، اما نمی‌گویند پیشگویی وضع هوا! در واقع «پیش بینی» ناظر به علم عادی بشر، بر اساس قرائن و مادی است اما «پیشگویی» در جایی است که از طریق عادی دسترسی وجود ندارد و خاستگاه آن، علم پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به صورت فرامادی بوده است.

واژه «کارکرد» به معنای عمل و کار، اندازه و مقیاس کار انجام شده آمده است. (معین ۱۳۸۶: ۱۹۲۱) همچنین به معنای اندازه و مقیاس کار انجام شده آمده است. (عمید ۱۳۶۰: ۳۵۱) در لغت‌نامه دهخدا واژه راندمان به معنای بهره کارکرد، نتیجه کار و کوشش، میزان موفقیت در کار نقل شده است. (دهخدا ۱۳۳۷: ۹۵۶)

در ادامه واژه‌ی «هدایت» از ماده «ه د ی» و به معنای ارشاد و راهنمایی (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۵۳/۶) همچنین راهنمایی از روی لطف و مهربانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳۵) شناختن و راهنمایی کردن به راه و خانه (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۵۳/۶) خارج کردن چیزی به سوی چیز دیگر و طاعت و ورع (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۵/۱۵) آمده، ضمن این که «ضاللت» نقیض آن می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۷/۴) بررسی اجمالی دیدگاه دانشمندان لغت شناس، پیرامون معنای واژگانی «هدایت»، نشان می‌دهد که آنان در برخورداری این واژه از معنای «راهنمایی کردن» اشتراک دیدگاه دارند.

**یافته ها:** پس از بررسی سیره نبوی در پیشگویی های صادره نسبت به شناساندن هدایت گران الهی آنچه بدست آورده، معرفی هدایت گران الهی در چند لایه با کارکردهایی بوده که در این تحقیق به آن می پردازیم.

### **الف) شناساندن هدایت گران الهی ناظر به ائمه اطهار**

پیامبر اکرم (ص) در راستای شناساندن هدایت گران الهی و شخصیت های شاخص در قالب پیشگویی، دو بُعد حفاظتی برای امت اسلامی تعریف نمودند. بُعد اول و اصیل، اهل بیت و امامان (ع) بوده اند که رسول خدا از ابتدای رسالت خود با شیوه های مختلف به معرفی آن ها پرداختند؛ زیرا جامعه نیازمند هدایت گران و خواصی است که جامعه را رهبری و آیینه قوانین الهی روی زمین باشند.

پیامبر اکرم (ص) در ابتدا به صورت کلی شخصیت های شاخص و امامان را به عنوان هدایت گر و جانشین خود، با قیود مختلفی همانند: «کلهم من قریش» (طبرانی ۱۴۰۴ : ۲/۲۵۳)؛ «کلهم من بنی هاشم» (حنبل بغدادی ۱۴۰۰ : ۱۰۷/۴ - نیشابوری ۱۴۱۲ : ۵۸/۷ - ترمذی ۱۴۱۹ : ۵/۲۴۳۹)، «کلهم یعمل بالهدی و دین الحق، من اهل بیته، من ولدی» (ابن کثیر ۱۳۹۸ : ۶/۲۴۸)، «اثننا عشرَ خَلِیفَةً» (نیشابوری ۱۴۱۲ : ۵۸/۷ - حنبل بغدادی ۱۴۰۰ : ۷/۴۱۰) بیان نمودند. ایشان اهل بیت (ع) و عترت خود را به دوازده خلیفه و جانشین تفسیر نموده و از وسعت مفهوم این الفاظ «اهل بیت، عترت، امیر و خلیفه» کاسته و از این طریق روشن ساخته است که مقصود از آن، مطلق خاندان وی نیست، بلکه گروه انگشت شماری است که جانشین ایشان می باشند، همچنین عزت دین به پیروی از آنان بستگی دارد.

برخی احادیثی که مشتمل بر کلمه «اثنی عشر» بوده و بطور فراوان و مجموعاً در حد تواتر در کتب اهل سنت مطرح شده؛ از جمله اینکه در روایتی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «یملک هذه الامه اثنی عشر خلیفه کعدد نقباء بنی اسرائیل» (حنبل بغدادی ۱۴۰۰ : ۱/۴۰۶ - متقی هندی ۱۴۱۹ : ۳۳ - نیشابوری ۱۴۱۲ : ۴/۵۰۱) به طور خلاصه طبق این احادیث پیامبر گرامی اسلام (ص) با تعبیرات گوناگون موضوع خلافت و زمامداری و رهبری دوازده نفر بعد از خود را بشارت داده و پیشگویی نمودند.

علاوه بر اینکه پیامبر اکرم(ص) به صورت کلی اهل بیت(ع) و جانشینان پس از خود را بیان نمودند، به شناساندن هدایت‌گران الهی به صورت مصداقی همراه با ذکر نام و ویژگی، در قالب پیشگویی اقدام نمودند. گرچه علمای اهل سنت در مصداقی امامان با علمای تشیع اختلاف دارند که در پاسخ می‌توان گفت: با توجه به اینکه رسول خدا(ص) فرمود: «خلفای پس از من دوازده نفرند»، افراد مشخصی نظر داشته‌اند؛ زیرا در غیر این صورت تفاوتی نمی‌کند که عدد آنان دوازده تن باشد، یا بیشتر و کمتر! علاوه بر این، مشکل است باور کنیم که پیامبر اکرم(ص) سخنی بگوید که در مخاطبانش ایجاد سوال نماید ولی به سوالاتشان پاسخ ندهد و برای همیشه در انتظار نگهدارد! همچنین قابل قبول نیست، پیامبری که تمامی مسائل مورد نیاز جامعه اسلامی را بیان نموده، در مورد چنین مسئله مهم و سرنوشت‌سازی، سخن را مجمل و بدون تعیین مصداق بیان نموده است. قرینه دیگری که در پاسخ اهل سنت می‌توان اشاره نمود، احادیثی است که از حضرت مهدی(عج) به عنوان آخرین خلیفه رسول خدا(ص) یاد شده است؛ بنابراین دوران خلافت خلفای رسول خدا(ص) هنوز پایان‌پذیرفته و در آخرالزمان، مردی از اهل بیت پیامبر اکرم(ص) به حکومت خواهد رسید. به عنوان نمونه؛ در نقلی رسول خدا(ص) فرمودند: «لو لم یبق من الدنيا الا یوم لظول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من اهل بیتی، یواطئ اسمه اسمی، واسم ابیه اسم ابی، یملاً الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً» (طبرانی ۱۴۰۴: ۱۰/۱۶۶ - احمدبن حنبل ۱۴۰۰: ۹۹/۱) این مطلب تأییدی دیدگاه تشیع در مسئله تعیین امام و جانشین رسول خدا(ص) است که باید از سوی خداوند انجام گیرد. فلذا دوران خلافت خلفای رسول خدا(ص) چنانکه دانشمندان اهل سنت پنداشته‌اند، در اوایل قرن دوم هجری پایان نیافته، بلکه آن گونه که در احادیث نبوی آمده، پایان آن با خلافت حضرت مهدی(ع) و در آخر الزمان خواهد بود.

گذشته بر این در لابلای احادیث نقل شده از اهل سنت می‌توان به خوارزمی از علمای اهل سنت اشاره نمود که نقل کرده، روزی سلمان خدمت رسول خدا(ص) رسید در حالی که حسین بن علی(ع) در آغوش او بود، چشمان او را بوسید و فرمود: «انک سید ابوساده، انک امام ابن ائمه، انک حجة ابن حجة ابو حجاج تسعه من

صلبک، تاسعهم قائمهم» (خوارزمی ۱۴۲۳: ۱/۲۱۲)

گرچه معرفی ائمه اطهار بعد از امام حسین(ع) در منابع متقدم هم نیامده باشد، اما شناساندن لایه اول از هدایت‌گران الهی به عنوان امام جامعه از امام علی(ع) تا امام حسین(ع) و ویژگی امامان بعدی از نسل ایشان تا حضرت مهدی(عج) بیان گردیده است.

### **ب) شناساندن خواص هدایت‌گر ناظر به صحابه شاخص**

صحابی پیامبر اکرم(ص)، انسان‌های ممتازی بودند که در عصر نبوی زندگی کرده و بر اثر مصاحبت پیوسته از برکات وجودی حضرت بهره برده‌اند. صحابه افرادی بودند که پشتوانه محکمی برای تثبیت و پیشرفت اسلام محسوب می شدند. واژه صحابی شامل افرادی است که در راستای هدایت‌گری، ثابت قدم بوده و در جامعه اسلامی در ذیل ابعاد هدایت‌گری نبوی، نقش آفرینی نموده‌اند که می‌توان به حدیث اصحابی کالنجوم اشاره نمود. در نقلی آمده است: «إن أصحابی بمنزلة النجوم فی السماء، فأیما أخذتم به اهتدیتم.» (مناوی: ۱۳۵۶، ۱/ ۲۰۹، ابن عساکر: ۱۴۱۵، ۳۵۹/۲۲) پس از بررسی آنچه حاصل شده این است که بسیاری از دانشمندان اهل سنت، به صراحت این حدیث را با تمام متون و سندهایش ضعیف دانسته‌اند. برخی دیگر قائل به عدم صحت آن هستند. (ابن قدامه: بی تا، ۱۲ / ۱) جمعی دیگر بر این باورند که این روایت دارای ضعف جدی است (سخاوی: بی تا، ۱/ ۱۴؛ مبارکفوری: ۱۴۱۰، ۱۰ / ۱۵۵)، عده ای دیگر نیز آن را جعلی می‌دانند. (ألبانی ۱۴۱۲: ۱/ ۴۹) ای موارد نمونه ای از تعابیر و تضعیف‌هایی است که درباره این حدیث به کار رفته است.

همچنین از حیث دلالتی، با توجه به تعابیر مختلف در این حدیث، عبارت «فبأی قول أصحابی أخذتم اهتدیتم» تمسک به قول صحابی به هر میزان که باشد، را هدایت‌گر دانسته است؛ اما اقتدا به صحابه و انتخاب آنان به نحو تخییری از میان صحابه نیز مستلزم ترجیح بلا مرجح است؛ چرا که متفاوت بودن مراتب فضل صحابه غیر قابل انکار است و همه آنها در یک مرتبه نبوده‌اند، همانطور که نقل شده است: «بعضها أضوا من بعض» (متقی هندی: ۱۹۸۹، ۱: ۳۲۱). بنابراین تمسک به تمامی گفتار و رفتار همه صحابه صحیح نیست. همچنین این نقل با روایات بسیاری از پیامبر اکرم(ص) که در منع اقتدا به صحابه وجود دارد، تعارض دارد. در نقلی رسول خدا(ص) فرمودند: «تکون بین أصحابی فتنة یغفر الله لهم سابقتهم، ان اقتدی بهم قوم من بعدهم کبهم الله تعالی فی نار جهنم» (متقی هندی: ۱۹۸۹، ۱۱: ۲۹۴) علاوه بر این در برخی از منابع از عدم پایبندی برخی از آنان به کتاب

خدا و سنت نبوی و بدعت گذاری‌شان در دین (سرخسی: بی تا، ۱۰۷/۲) خبر داده شده است؛ بنابراین حدیث فوق غیر معتبر خواهد بود و شامل پیروی از هر صحابی نمی شود بلکه فردی که رسول خدا(ص) او را به صورت مصداقی معرفی نموده، صحابی شاخص بوده است.

با توجه به نگرانی رسول خدا(ص) نسبت به وجود دشمنان و تکذیب کنندگان اهل بیت(ع) به عنوان لایه اول هدایت‌گر، در قالب پیشگویی، صحابی شاخص را به عنوان لایه دوم حفاظتی، در راستای شناساندن هدایت‌گران الهی برای امت اسلامی تعریف نمودند. لایه دوم، مکمل و مروج لایه اول بوده که اصحاب خاص و درجه یک اهل بیت(ع) هستند و در طول معصومین همان نقش هدایتی و بصیرتی را دنبال نمودند که شامل هر صحابی نخواهد شد.

پیامبر اکرم(ص) جهت شناساندن خواص هدایت‌گر در قالب پیشگویی، نحوه از دنیا رفتن به ضمیمه فضائل صحابی شاخص هدایت‌گر را به صورت عمومی در جامعه بیان نمودند. لازم به ذکر است تکثر تعداد صحابی شاخص محل بحث نیست و به مواردی اشاره خواهد شد، زیرا اصل شناساندن لایه دوم هدایت‌گر از صحابی معظم مورد بحث بوده که رسول خدا(ص) افرادی را شاخص هدایتی معرفی نموده و خط معیار و الگو در حوادث مختلف بین امت اسلامی را عملکرد این صحابی بیان نمودند.

از جمله این صحابی شاخص جناب سلمان فارسی می‌باشد. رسول خدا(ص) درباره او فرمود: «اگر فردی می‌خواهد به مردی بنگرد که خداوند قلبش را سرشار از ایمان کرده است، به سلمان نگاه کند.» (طبرسی ۱۴۰۳: ۱۵۰/۱) بنابراین سلمان نماد و تجلی ایمان معرفی گردیده است که او را فردی شاخص بین صحابه قرار داده است.

همچنین در شاخص بودن جناب سلمان نقل شده است: «إِنَّ سَلْمَانَ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (کشی ۱۳۸۲: ۵۹/۱) در نقل دیگری آمده که روزی رسول خدا(ع) با مشاهده آزار و اذیت‌های مرد نژاد پرست عرب، نسبت به سلمان برآشفته و آن مرد عرب را مورد عتاب قرار داده و فرمودند: «آیا سلمان را از خویش دور می‌کنی؟ او را خداوند متعال در آسمان و رسول خدا(ص) در زمین دوست می‌دارند؛ هرگاه جبرئیل به من نازل می‌شد، سلام خداوند را برای سلمان ابلاغ می‌داشت. ای مرد عرب! هر کس به سلمان جفا کند، به من جفا کرده، هر کس او

را بیازارد مرا آزرده، هر کس او را از خویش دور کند مرا از خویش دور کرده و هر کس به او نزدیک شود به من نزدیک شده است.» (ابن عبدالبر ۱۴۱۲: ۶۰/۲) در این نقل، سلمان عنصرشاخص در مقابل عملکرد همه افراد جامعه است زیرا ناراحتی او ناراحتی رسول خدا(ص) خواهد بود.

علاوه بر آنچه ذکر گردید، پیامبر اکرم(ص) در مقابل ناسپاسی امت در صورت رویگردانی از اسلام، به تمجید از سلمان فارسی و قومش پرداختند. جمعی هنگام تلاوت آیه شریفه «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمُ» (محمد ۴۷: ۳۸) از رسول خدا(ص) در مورد مصداق آیه سوال نمودند؛ که حضرت اشاره به سلمان فارسی نموده و فرمودند: «سلمان و قومش هستند. سپس در ادامه بیان نمودند: اگر دین خدا آویزه ستاره ثریا باشد، حتماً مردانی از فارس به آن خواهند رسید!» (متقی هندی ۱۴۱۲: ۹۰/۱۲) بنابراین سلمان از شاخص ترین صحابی هدایت‌گر و عنصرهدایتی توسط رسول خدا(ع) در بین امت معرفی شده بودند.

علاوه بر این، یکی دیگر از صحابی شاخص هدایت‌گر جناب عمار یاسر بوده است. پیشگویی همراه با بیان فضائل و خصوصیات ممتازشان در عصر نبوی در حریم عمومی موجب شده بود تا عمار در بین مردم جامعه دارای جایگاهی شاخص باشد. پیامبر اکرم(ص) در تبیین و معرفی شخصیت عمار فرمود: «عَمَّارٌ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ دَارُ» (صدوق ۱۴۲۵: ۲۲۳/۱) معیار حق بودن عمار آن‌چنان در بین اصحاب رسول خدا(ص) مشهور بود که ابن سعد نقل کرده است: «وَمَا كَانَ أَحَدٌ مِنْ قُدَمَاءِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ يَشْكُ أَنْ عَمَّارًا قَدْ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ وَلَا اثْنَيْنِ، فَهَنِيئًا لِعَمَّارٍ بِالْجَنَّةِ وَلَقَدْ قِيلَ إِنَّ عَمَّارًا مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ مَعَ الْحَقِّ أَيُّمَا دَارٌ وَقَاتِلُ عَمَّارٍ فِي النَّارِ» (ابن سعد ۱۴۱۰: ۲۶۲/۳) جناب عمار، زبانی صریح، دلی شجاع و ایمانی راسخ داشت و در راه ادای وظیفه، هیچ‌گونه سازش و کوتاهی نشان نمی‌داد.

یکی دیگر از خواص هدایت‌گر، جناب ابوذر غفاری بوده است. پیامبر اکرم(ص) در سخنانی فرمودند: «مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَلَا أَقَلَّتِ الْغَبْرَاءُ عَلَى ذِي لَهْجَةٍ أَصْدَقُ مِنْ أَبِي ذَرٍّ يَعِيشُ وَحَدَهُ وَيَمُوتُ وَحَدَهُ وَيَبِيعُ وَحَدَهُ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحَدَهُ» (ابن هشام، بی تا: ۵۲۴/۲)



همچنین امام علی (ع) فرمودند: «هیچ کس جزء من و ابوذر نیست که در راه خدا از سرزنش دیگران نهراسد.» (ابن سعد ۱۴۱۰: ۱۷۵/۴) این دو صفت شاخص؛ صداقت و روشنگری همراه با شجاعت برای جناب ابوذر جایگاهی شاخص در بین مسلمانان ایجاد نمود که بیانگر ثابت قدمی این صحابه جلیل القدر و عدم هراس از سرزنش دیگران است. شاهد عینی آن را در مقابله با خلفاء مشاهده می‌کنیم که موجب گردید توسط خلیفه سوم از مدینه به ریزه تبعید شود. (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴: ۲۵۲/۸)

علاوه بر آنچه بیان شد، یکی دیگر از خواص هدایت‌گر، جناب اویس بن عامر مرادی از طایفه قَرَن، معروف به اویس قرنی است. او از زمانی که آوازه پیامبر اکرم (ص) را شنید علاقه شدیدی به حضرت پیدا کرد؛ ولی هرگز نتوانست ایشان را ببیند. آنقدر آتش عشق او به پیامبر اکرم (ص) شدید بود که پیامبر اکرم (ص) در موارد متعددی از اویس قرنی به نیکی یاد و اظهار اشتیاق به دیدار با او کرده و فرمودند: «تَفُوحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرَنٍ وَأَشَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسُ الْقَرْنِيُّ الْأَبْرَارِ وَمَنْ لَقِيَهُ فَلْيُقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ». (قمی ۱۳۹۲: ۵۳/۱) در ادامه امام علی (ع) در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که ایشان در مورد اویس فرمود: «او از حزب خدا و رسول (ص) اوست. مرگش به شهادت در راه دین خواهد بود و گروه بسیاری به واسطه شفاعت او از آتش جهنم رهایی می‌یابند.» (مفید ۱۴۱۳: ۳۱۶/۱) بنابراین بیان فضائل و پیشگویی از صحابی شاخص بیانگر شناساندن هدایت‌گران الهی توسط رسول خدا (ص) برای جامعه اسلامی بوده تا در بُعد معرفتی، عناصر شاخص را بشناسند.

علاوه بر آنچه بیان گردید با توجه به اینکه رسول خدا (ص) پیامبر آخر الزمان هستند، شناساندن هدایت‌گران الهی برای سایر اعصار هم بیان گردیده است. رسول خدا پس از شناساندن هدایت‌گران منصوص به شناساندن جریان هدایت‌گر غیر منصوص پرداختند. در شناساندن هدایت‌گران از صحابی شاخص با ذکر نام و ویژگی بوده اما برای اعصار آتی، هدایت‌گر جامعه بر اساس ویژگی بیان شده چرا که دیگر فرد مطرح نیست و بر اساس معیار نبوی عناصر مشخص می‌گردد که امروزه مرجعیت مصداق آن می‌باشد. در نقلی رسول خدا (ص) فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَنْ خُلَفَائِكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي، يَرُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي» (شیخ صدوق ۱۴۱۳: ۴/۲۲۰) گرچه اکثر فقها سند حدیث را تایید کرده اند اما عده ای هم آن را ضعیف دانسته اند که در پاسخ مرحوم نراقی گفته است: «بعد از جبران شدن با عمل اصحاب و ضمیمه کردن

برخی به برخی دیگر و ورود اکثر این اخبار در کتب معتبر، ضعف این اخبار مضر نیست!» (نراقی ۱۴۱۷ : ۵۳۸) اکثر دانشمندان، مصداق این حدیث را فقها می‌دانند زیرا در اقوال و سنت پیامبر اکرم (ص) تفقه می‌کنند که می‌توان به امام خمینی (ره) اشاره نمود. (موسوی خمینی، بی تا، ۱۱/۲) در ادامه به ویژگی خلفا و جانشینان نبوی که فقها هستند اشاره شده و در نقلی آمده است: «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ» (وسائل الشیعه، بی تا: ۱۳۱/۲۷) بنابراین به ویژگی هدایت‌گر در دوره های آتی هم بر اساس ویژگی شناسانده شده است.

### ج) شناساندن خواص ضلالت‌گر ناظر به صحابی شاخص

پیامبر اکرم (ص) علاوه بر شناساندن هدایت‌گران الهی در راستای تبیین جریان حق و باطل اقدام به شناساندن خواص ضلالت‌گر ناظر به صحابی شاخص نمودند تا از آسیب انحراف برخی صحابی در آینده میان امت کاسته شود. در منابع تاریخی گزاره‌هایی نقل شده است که حضرت در خواب مشاهده کردند، بنی امیه از منبرش بالا می‌روند و خودشان را در جایگاه ایشان قرار خواهند داد. در نقلی آمده است: «رأى رسول الله فى منامه بنى امية يصعدون على منبره من بعده ويضلون الناس عن الصراط القهقري، فاصبح كئيباً حزيناً قال: فهبط عليه جبرئيل فقال: يا رسول الله مالي اراك كئيباً حزيناً؟ قال: يا جبرئيل، انى رايته بنى امية فى ليلتى هذه يصعدون منبرى من بعدى، ويضلون الناس عن الصراط القهقري» (كليني ۱۵۹/۱۳۴۲: ۴) این نقل بیانگر شناساندن بنی امیه به امت اسلامی مبنی بر گمراهی‌شان بوده است. رسول خدا (ص) جهت معرفی لایه سوم که افراد شاخص ضلالت‌گر هستند، به معرفی افراد با ذکر صفات پرداختند تا در میان جامعه، بیش از پیش به عنوان شاخص ضلالت‌گری شناخته شوند. از جمله این افراد، معاویه بن ابی سفیان است. اَنَسِ بْنِ مَالِكٍ نقل کرده، از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمودند: «سمعت رسول الله (ص) يقول سيظهر على الناس رجل من امتي، عظيم السرم، واسع البلعوم، ياكل ولا يشبع، يحمل وزر التقلين، يطلب الامارة يوماً، فاذا ادركتموه فايقروا بطنه» در ادامه همین روایت، اَنَسِ بْنِ مَالِكٍ گفته است: «وكان فى يد رسول الله قضييب، قد وضع طرفه فى بطن معاويه» (ابن ابى الحديد ۱۴۰۴: ۱۰۸/۴) بنابراین به وضوح وصف شکم بارگی معاویه همراه با فرمان رسول خدا (ص) مبنی بر کشتن او در قالب پیشگویی، معرفی

ضلالت‌گری او بوده تا اتحاد جامعه اسلامی با شناخت افراد ضلالت‌گر جریان سلطنتی و موروثی آینده دستگاه خلافت را بشناسند.

در ادامه سلطنت بنی امیه، رسول خدا(ص) اقدام به شناساندن سایر افراد ضلالت‌گر نمودند. در نقلی آمده که روزی پیامبر خدا چشم‌شان به حکم بن العاص که از بنی امیه بود افتاد و فرمود: «وای بر امت من از تو و از فرزندان!» (اسدالغابه ۱۴۱۵: ۳۴۸/۴)

در نقل دیگری وقتی مروان بن حکم به دنیا آمد، او را نزد رسول خدا(ص) آوردند که حضرت با ناراحتی فرمودند: «الوزغ بن الوزغ المعلن بن المعلن» (حاکم نیشابوری ۱۴۲۰: ۴۷۹/۴) مروان در جنگ جمل به عنوان اولین جنگ داخلی بین مسلمانان در سپاه طلحه و زبیر نقش آفرینی نمود. (ابن حجرالعسقلانی ۱۴۱۵: ۲۰۴/۶) وی از افرادی بود که طلحه و زبیر را برای شورش و تشکیل حکومت علیه امام علی(ص) ترغیب نمود و از آن دو خواست که برای دستیابی به حکومت، مردم را به بیعت با خود وادار سازند. (ابن قتیبه دینوری ۱۴۱۰: ۷۸/۱) در نهایت هم این این خلفای خون‌خوار بنی امیه یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند و خون‌های زیادی ریختند و بسیاری از بی‌گناهان را به تیغ دژخیمان سپردند؛ که از جمله آن جنایات حجاج بن یوسف فرماندار کوفه در عصر عبدالملک بن مروان است که بنابر نقل طبری تعداد کسانی که کشته شدند، بالغ بر ۱۳۰ هزار نفر می‌شد. (طبری، بی تا ۳۸۱/۶)

پیامبر اکرم(ص) در راستای معرفی جریان باطل اقدام به شناساندن صحابی ضلالت‌گر نمودند تا نقاب از چهره آنان برداشته و جامعه اسلامی به خوبی آنان را بشناسند. از جمله این موارد پیشگویی درباره زبیر بن عوام بود. زبیر که از صحابی رسول خدا(ص) بوده و دارای جایگاه شاخص میان مسلمانان بود اما پیامبر اکرم(ص) با آینده‌نگری روزی در حضور حضرت علی(ع) به زبیر فرمود: آیا علی بن ابی طالب را دوست داری، زبیر گفت: چرا دوست نداشته باشم، پیامبر اکرم(ص) فرمود: چگونه‌ای وقتی ظالمانه با او بجنگی؟ (ابن عساکر ۱۴۱۵: ۴۰۹/۱۸) پس از مدتی وقتی امام علی(ع) به خلافت رسید، زبیر در کنار طلحه و عایشه اولین جنگ داخلی میان مسلمانان را راه انداخت و بر علیه امام جامعه اسلامی خروج کرد. امام علی(ع) همین پیشگویی نبوی را به او یادآوری نمود که

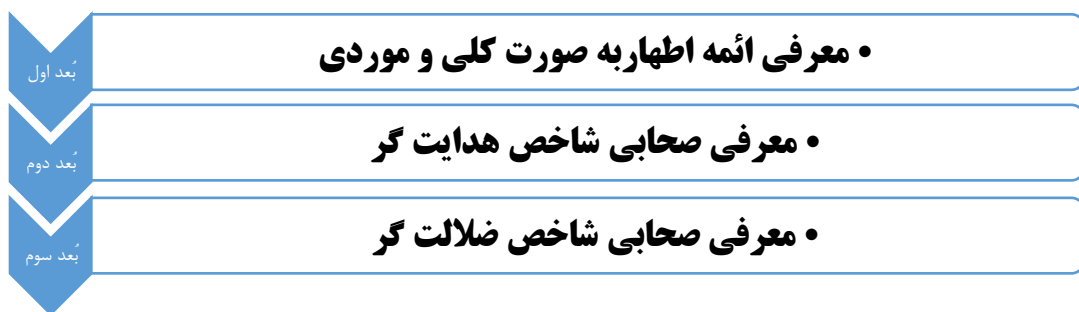
موجب شد زبیر پس از یادآوری این مطلب از اردوگاه کناره‌گیری کرد اما فتنه انگیزی او موجب شده بود جنگ جمل برپا شود.

در ادامه یکی دیگر از خواص ضلالت‌گر «عبدالله بن زبیر» بوده که پیامبر اکرم(ص) با بیان اوصاف و اقداماتش، فرمودند: «مردی از قریش که به او عبدالله می‌گویند در مکه الحاد می‌کند که نصف عذاب عالم بر او است. قسم به خدا من آن فرد نخواهم بود. به همین دلیل از مکه بیرون رفت و در طائف ساکن شد! (ذهبی ۱۴۲۷: ۴/۴۰۵) جناب ذهبی از علمای اهل سنت با نقل حدیث فوق، مصداق سخن نبوی را عبدالله بن زبیر دانسته است.

در ادامه در نقل‌های دیگری مصداق این روایت را عبدالله بن زبیر دانسته‌اند. احمد بن حنبل نقل کرده است: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا إسماعيل بن أبان الوراق ثنا يعقوب عن جعفر بن أبي المغيرة عن بن أبي عن عثمان بن عفان قال قال له عبد الله بن الزبير حين حصران عندي نجائب قد أعددتها لك فهل لك ان تحول إلى مكة فيأتيك من أراد أن يأتيك قال لا إني سمعت رسول الله يقول يلحد بمكة كبش من قریش اسمه عبد الله عليه مثل نصف أوزار الناس.» (صفدی ۱۴۲۰: ۱۷/۹۲ - ابن حنبل ۱۴۱۶: ۱/۵۱۹) این نقل بیانگر این است که حتی جناب عثمان، هنگام محاصره در پاسخ عبدالله بن زبیر برای پناه بردن به مکه، سخن رسول خدا(ص) را به یاد آورده و چنین پنداشته است که مقصود روایت از کسی که باعث الحاد در مکه می‌شود، عبدالله بن زبیر است!

علاوه بر آنچه بیان گردید، یکی دیگر از اقدامات رسول خدا(ص) در شناساندن خواص ضلالت‌گر، پیشگویی حضور یکی از همسرانش در منطقه حوالب بوده است. وقتی عایشه عزم خروج و مقابله با حاکم جامعه اسلامی نمود، در بین مسیر به منطقه حوالب رسید. او با شنیدن این نام حوالب، ناگهان فریاد زد و گفت: مرا به سوی حرم پیامبر(ص) در مدینه برگردانید. وقتی دلیل را سوال نمودند، گفت: «پیامبر اکرم(ص) فرموده بود؛ گویا می‌بینم یکی از همسرانم را که میان گروهی طغیان‌گر قرار داشته و سگ‌های حوالب بر او پارس می‌کنند. اکنون معلوم شد که آن زن من هستم، سپس ناله کرد و گفت: «انا لله و انا اليه راجعون!» (بلاذری ۱۴۱۷: ۲/۲۲۴ - مسعودی ۱۴۰۹: ۳/۱۰۲) بنابراین رسول خدا(ص) در قالب پیشگویی اقدام به شناساندن خواص ضلالت‌گر نمود تا نقاب از چهره شوم آنان برای جامعه اسلامی برداشته شده تا عناصر ضلالت‌گر را شناخته و شریک مقاصد شومشان نگردند.

آنچه در ادامه خواهیم پرداخت کارکردشناسی پیشگویی پیامبر اکرم(ص) از شناساندن هدایت‌گران الهی بوده است.



### ۱. تبیین جریان حق و باطل

کارکردی که از پیشگویی نبوی در شناساندن بُعد اول و اصیل هدایت‌گران دنبال نمودند تبیین جریان حق و باطل بوده است. رسول خدا(ص) بعد از معرفی ائمه اطهار از اهل بیت(ع) خود به صورت کلی در عدد و مصداقی، آن‌ها را به خود نسبت داده و پیروی و تبعیت از آن‌ها را همراهی با دین خود بیان نمودند. در ادامه با اعلام انزجار از جریان باطل و ضلالت‌گر، نسبت به مخالفان و دشمنان اهل بیت تحذیر و هشدار داده، تا امت اسلامی به خوبی رویارویی جریان حق و باطل را شناخته و از طرفی با مخالفان ائمه اطهار همراهی نکرده، همچنین به پیروی از ائمه معصومین پس از خودشان به عنوان امام جامعه و پیشوای حق اقدام نمایند. در همین راستا پیامبر اکرم(ص) در قالب پیشگویی فرمودند: «من، فرستاده خدا به سوی همه مردم هستم؛ ولی بعد از من، پیشوایانی الهی از اهل بیتم برای مردم خواهند بود که در میان مردم به رهبری بر می‌خیزند؛ لیکن از سوی آنان تکذیب می‌شوند و پیشوایان کفر و ضلالت و پیروان‌شان، بر ایشان ستم روا می‌دارند. هرکس آنان را دوست بدارد و از ایشان پیروی کند و تصدیق‌شان نماید، از من است و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد. آگاه باشید که هرکس به ایشان ستم روا دارد و تکذیب‌شان کند، از من نیست و با من نیست و من از او بیزارم» (کلینی ۱۳۴۲: ۲۱۵/۱).

لازم به ذکر است جایگاه فراعصری رسول خدا(ص) برای امت اسلامی محدود به دوره حضور فیزیکی ایشان نیست بلکه بصورت فراعصری برای دورانی هم که حضور فیزیکی نداشتند به هدایت‌گری جامعه با تبیین جریان حق و باطل اقدام نمودند. گرچه در بستر زمان در عصر بعد از رحلت رسول خدا(ص)، جریان اقلیت در پیروی از اسلام ثابت قدم مانده اما جریان اکثریت مرتد شدند، همانطور که نقل شده است: «ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ (ص) إِلَّا ثَلَاثَةَ نَفَرٍ الْمَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَأَبُو ذَرِّ الْغِفَارِيِّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَحِقُوا بَعْدُ.» (مفید ۱۴۱۳: ۶) اما با توجه به کارکرد پیشگویی فراعصری نبوی، جریان در بازه زمانی خاص و محدود تعریف نشده و مقطعی نخواهد بود، بلکه در طول تاریخ شکل گرفته است، فلذا باید سیر تاریخ را مشاهده نمود. یکی از آرزوهای دیرین بشر، برچیده شدن بساط ظلم و بیدادگری از جامعه و حکمفرمایی صلح و آرامش و اجرای عدالت در سراسر جهان است. رسول خدا(ص) در قالب پیشگویی سیر حرکتی برای نسل بشر در تمامی اعصار را تبیین نمود که حزب شیطان در مقابل حزب الهی صف آرایی نموده و خواهند کرد؛ گرچه در کارزار حق و باطل فراز و نشیب وجود داشته اما در انتها با توجه به وعده الهی، «والعاقبه للمتقين» خواهد بود. (قصص ۲۸: ۸۳) چرا که خداوند اراده کرده جریان نبوت به عنوان جریان تاریخی با غلبه جریان حق بر باطل همراه باشد، فلذا خدای متعال فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه ۹: ۳۳) بنابراین رسول خدا(ص) فرجام تاریخ را در تبیین جریان حق و باطل، با ابزار مختلف که از موارد آن پیشگویی بوده بیان نمودند. پیروزی نهایی جبهه حق با ظهور حضرت مهدی(عج) می‌شود. در روایتی از رسول خدا بعد از بیان مشخصات حضرت مهدی(عج)، فرمودند: «يُظْهِرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَيُخْذِمُ الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ وَيَتَّبِعُهُمُ النَّاسُ رَاغِبًا إِلَيْهِمْ وَخَائِفًا مِنْهُمْ» بنابراین قیام حضرت مهدی موعود(ع) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده و ایشان تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و مردان مبارزه راه حق است که با نابودی کامل ظلم و پیروزی حق همراه خواهد بود.

## ۲. شاخص سنجی و معیار شناخت باطل

کارکردی که پیامبر اکرم(ص) از معرفی صحابی شاخص دنبال نمودند، این بود که اَمّت اسلامی در غبار فتنه ها که شناخت حق و باطل دشوار می‌گردد، با مراجعه و الگوگیری از شخصیت‌های شاخص به عنوان معیار، الگو و راهنما، نسبت به جریان در مقابل آنان شناخت پیدا کرده و به صراط مستقیم و مسیر هدایت تمسک جویند. برای این مهم پیامبر اکرم(ص) آنان را معیار حق و قاتل آنان را باطل و اهل جهنم معرفی نمودند. رسول خدا(ص) در نقلی فرمودند: «وَيَحِ عَمَّارٍ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يَدْعُوهُ إِلَى النَّارِ» (اربلی ۱۳۸۱: ۲۵۸/۱- ابن سعد ۱۴۱۰- ۲۶۲/۳- بخاری ۱۴۱۰: ۱۷۲/۱) با توجه به جایگاه عمار در بین اصحاب، کسی شک نداشت که بهشت بر عمار واجب است. نه در یک جا، و نه در دو جا، بهشت بر عمار گوارا باد. عمار با حق است هر جا باشد و کشته عمار، در آتش است. (بلاذری ۱۴۱۷: ۱۷۴/۱) این پیشگویی پیامبر اکرم(ص) در جنگ صفین به دست سپاهیان معاویه در صحنه حساس جنگ صفین که یک فتنه برای جامعه اسلامی بوده قابل مشاهده است. آن جا که لشکریان امام علی(ص) با مشاهده اهل نماز بودن لشکر دشمن دچار تردید شده بودند و حضرت در پاسخ آن‌ها را به عمار یاسر ارجاع دادند که عمار با صراحت، به روشنگری و تبیین پرداخته و گفت: «مواضع ما اینک همان موضعی است که در روزهای بدر و احد و حنین زیر پرچم پیامبر خدا(ص) داشتیم و آنان در مواضع احزاب مشرک آن روزها قرار دارند.» (نصرین مزاحم ۱۴۰۴: ۳۳۸) معیار و شاخص سنجی با مراجعه به عمار یاسر موجب گردید تعدادی از افراد لشکر دشمن، به لشکر امام علی(ع) بپیوندند. (ابن سعد ۱۴۱۰: ۲۵۹/۳)

یکی دیگر از صحابی جلیل القدری که در پیشگویی نبوی، شاخص و معیار شناخت حق و باطل معرفی شده، «اویس قرنی» بوده است. حضور اویس قرنی در جنگ قاسطین به عنوان معیار علاوه بر هدایت‌گری مسلمانان در لشکریان معاویه نیز تأثیر گذاشت، تا آن جا که در نخستین روز نبرد، یکی از جنگ‌جویان سپاه معاویه از سپاهیان امام علی(ع) پرسید: آیا اویس قرنی در لشکر شماست؟! جواب داده شد: آری، از او چه می‌خواهی؟! گفت از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: اویس قرنی از بهترین تابعین، یعنی مسلمانان بعد از اصحاب پیامبر اکرم(ص) است. این را گفت و بی‌درنگ وارد سپاه حضرت علی(ع) شد. (ابن سعد ۱۴۱۰: ۱۶۳/۶)

بنابراین در سیره پیامبر اکرم(ص) پیشگویی‌هایی با معرفی افرادی به عنوان خواص هدایت‌گر برای جامعه مسلمانان انجام گردید تا به عنوان الگو و معیار شناخت حق و باطل در شرایط سخت فتنه و انحراف مدعیان خلیفه اسلامی، عموم مسلمانان بتوانند از آن‌ها تبعیت نموده و به نجات و رستگاری دست یابند. به عبارت دیگر شناساندن آن‌ها به وضوح و آشکار برای جامعه اسلامی جهت راهنمایی و هدایت مردم در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بوده است تا با مراجعه به آن‌ها به هدایت برسند.

کارکرد دیگری که از پیشگویی‌های نبوی می‌توان اشاره نمود، شناخت جریان ضلالت‌گر برای امت اسلامی بوده است. به صورت طبیعی وقتی خواص هدایت‌گر با پیشگویی و بیانات پیامبر اکرم(ص) در جامعه شناخته بشوند، طرف مقابل آن‌ها که جریان باطل و ضلالت‌گر هستند هم شناخته می‌شوند. بنابراین شناخت جریان‌های خطرناک و ضلالت‌گر برای جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا موجب تبیین و شناخت فتنه‌گران در حوادث مختلف می‌شود. با توجه به اینکه پیامبر اکرم(ص) با علم لدنی خود می‌دانست که جریان ضلالت و باطل به غصب خلافت و کنار زدن ساحت مقدس امامت و ولایت اقدام خواهند نمود، در قالب پیشگویی مسیر شناخت این جریان ضلالت‌گر را برای جامعه اسلامی هموار نمودند تا اتمام حجتی برای همگان باشد.

علاوه بر آنچه بیان گردید، رسول خدا(ص) با پیشگویی از خواص و جریان ضلالت‌گر، فضای آینده جامعه را برای امام علی(ع) به عنوان امام جامعه که مسئولیت هدایت امت اسلامی داشتند را تبیین نمودند تا بیش از پیش نسبت به آن آگاه باشند. فلذا در دفعات متعدد حضرت در دوران حکومت خود پیشگویی و سفارش‌های پیامبر اکرم(ص) را یادآوری نمودند. به عنوان نمونه می‌توان به سفارش پیامبر اکرم(ص) نسبت به مقابله با جریان ضلالت‌گر اشاره نمود که حضرت در روز نهروان فرمودند: «أمرنی رسول الله(ص) بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین» (خطیب بغدادی ۱۴۱۷: ۳۴۰/۸)

### **۳. شناساندن عناصر مانع در هدایت‌گری**

کارکرد دیگری که از پیشگویی‌های نبوی قابل مشاهده بوده، این است که پیامبر اکرم(ص) علاوه بر شناساندن جریان ضلالت‌گر در راستای هدایت امت اسلامی، با مشاهده دشمنی دشمنان از صدر اسلام، تلاش نمودند گمراهی آنان را در قالب پیشگویی از اقدامات‌شان، به صورت فراعصری به جامعه اسلامی گوشزد و اثبات



نمایند. پیامبر اکرم(ص) عناصر مانع هدایت را با پیشگویی از اقدام آنان در کشتن صحابی شاخص هدایت‌گر که مقبولیت عمومی و نفوذ اجتماعی در امت اسلامی داشتند بیان نمودند. به عنوان نمونه، از جمله این افراد، صحابی جلیل القدر جناب «حجر بن عدی» بوده که صاحب منزلت نزد پیامبر اسلام(ص) بوده و در زهد و تقوا و عبادت اشتهار داشت. به نقل اهل تاریخ و حدیث، او را «حجر الخیر» می‌خواندند و مستجاب الدعوه بود. (ابن اثیر ۱۴۱۵: ۳۸۶/۱) حجر بن عدی در میان مردم چهره ای جلیل القدر بوده و دارای شخصیتی اجتماعی و صاحب نفوذ بود که در فتوحات اسلامی نقش برجسته ای داشته است. در نقلی آمده است: «چون حجر و یارانش به قریه مرج عذراء در دوازده میلی دمشق رسیدند، معاویه فرمان قتل آنان را صادر کرد.» (ابن سعد ۱۴۱۰: ۲۱۹/۶ - مسعودی ۱۴۰۹: ۱۸۹/۳)

در نقل دیگری آمده است: «نخستین فردی که در زمان فتوحات وارد منطقه عذراء شده و آنجا را فتح نموده و در نهایت کشته شد، حجر بن عدی بود.» (ابن سعد ۱۴۱۰: ۲۱۷/۶ - ابی یعقوب ۱۴۲۲: ۲۳۱/۲)

همچنین به روایت مسعودی، جناب حجر بن عدی نخستین مسلمانی بود که دست بسته و به اسارت کشته شد. (مسعودی ۱۴۰۹: ۱۸۸/۳)

در ادامه، عایشه پیشگویی پیامبر خدا(ص) درباره قاتلینی که با کشتن افرادی در منطقه عذراء خشم خدا را برافروخته اشاره کرده و به معاویه گفت: «سمعت رسول الله(ص) يقول سيقتل بعذراء اناس يغضب الله لهم و اهل السماء.» (ابن عساکر ۱۴۱۵: ۲۲۶/۱۲)

علاوه بر آنچه بیان شد، وجود مقدس امام حسین(ع) نسبت به اقدام معاویه در کشتن حجر بن عدی فرمودند: «أَلَسْتَ قَاتِلَ حُجْرٍ، وَ أَصْحَابَهُ الْعَابِدِينَ الْمُخْبِتِينَ، الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَفْظِعُونَ الْبِدْعَ، وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَقَتَلْتَهُمْ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا، مِنْ بَعْدِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ الْمَوَاطِيقَ الْعَلِيظَةَ وَ الْعُهُودَ الْمُؤَكَّدَةَ، جُرْأَةً عَلَى اللَّهِ وَ اسْتِخْفَافًا بَعْهَدِهِ» (ابن قتیبہ دینوری ۱۳۷۳: ۲۰۳/۱)

در این پیشگویی که ریخته شدن خون مبارک افرادی در منطقه عذراء که غضب الهی را در پی خواهد داشت، گرچه اسامی افراد بیان نشده ولی در فضای اجتماعی، این موضوع به روشنی مرجع ضمیر خود را یافته و شاهد آن اعتراضات دوست و دشمن نسبت به اقدام معاویه بوده است. تاثیر کشته شدن حجر بن عدی در جامعه و

بلاد اسلامی و سرزنش‌های گسترده و نفرت امت اسلامی بر علیه او را به همراه داشت؛ در حدی که فاجعه عذراء خشم جامعه اسلامی را برپا داشت زیرا با شهادت مظلومانه حجر بن عدی، حرمت اسلام درهم شکسته شد. برخی از افراد سرشناس مسلمان با شنیدن شهادت حجر بن عدی اعتراض خود را آشکار ساختند؛ که علاوه بر موارد فوق، می‌توان به حسن بصری از دانشمندان اهل سنت اشاره نمود. او پس از شنیدن خبر شهادت حجر بن عدی، به گناه بزرگی که معاویه مرتکب شده بود اذعان داشت و گفت: «فیا ویلا له من حجرا» (ابن اثیر ۱۳۸۵: ۴۸۷/۳) آنقدر بیان پیشگویی درباره شهادت او برای مردم واضح است که پس از کشتن او، افرادی از نزدیکان معاویه همانند مالک بن هبیره هم به معاویه اعتراض کرده و گفت: «به کار زشتی دست زده است.» (دینوری ۱۳۷۳: ۲۲۴)

لازم به ذکر است گرچه در عمل در آن بازه زمانی، معاویه هنوز هم مورد احترام بوده و جایگاه داشته اما بخشی از تنفر عمومی ذیل همین حوادث از جمله کشتن حجر بن عدی صورت گرفته و زمینه سازی نارضایتی های بعدی بر علیه معاویه شده که از مصادیق آن، اعتراض در جانشینی یزید قابل مشاهده بوده است. (یعقوبی ۱۴۲۲: ۲۲۸/۲)

## نتیجه گیری

پیامبر اکرم (ص) یکی از ابزارهایی که در راستای هدایت جامعه اسلامی برای دورانی که حضور فیزیکی نداشتند، راه، در قالب پیشگویی بیان نمودند. برای رسیدن به این مهم، رسول خدا (ص) به معرفی جریان هدایت‌گر و ضلالت‌گر در جامعه پرداختند. فلذا از طرفی در دو لایه، اقدام به شناساندن اهل بیت (ع) به عنوان امام جامعه و صحابی شاخص به عنوان مکمل و مروج لایه اول نمودند، همچنین در لایه سوم اقدام به شناساندن خواص ضلالت‌گر نمودند تا جریان حق و باطل برای امت اسلامی تبیین گردد. پیشگویی علاوه بر ابزار هدایتی در عصر نبوی، یکی از ابزارهای هدایتی ایشان در بُعد فراعصری است که تاثیر گفتارهای ایشان را فراتر از دوران حیات‌شان ثابت داشته و در حقیقت آثار وجودی ایشان را گسترده‌تر از عصر حضور هر معصوم آشکار می‌سازد. پیشگویی‌های نبوی ثابت می‌کند که ابعاد وجودی ایشان منحصر به یک دوره تاریخی نبوده و برای دورانی که حضور فیزیکی هم ندارند در قالب پیشگویی به هدایت انسان‌ها و جامعه پرداخته اند که ناظر به علم

فراعصرى پیامبر اکرم(ص) است؛ فلذا مسلمانان مى توانند با دنبال نمودن خطّ سير خاتم الانبياء(ص) آينده نگرى داشته و در حوادث گوناگون با دنبال نمودن خطّ سير نبوى به عنوان مشعل راه به سعادت و هدايت دست يابند.

## منابع

قرآن كريم

۱. ابن ابى الحديد معتزلى، عبدالحميد بن هبةالله(۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم، كتابخانه آيت الله مرعى نجفى
۲. ابن اثير، عزالدين(۱۴۱۵ ق)، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، محقق على محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية
۳. ابن اثير، عزالدين(۱۳۸۵ ق)، الكامل فى التاريخ، چاپ اول، بيروت، دار صادر
۴. ابن اثير، مجدالدين(۱۳۹۹ ق)، النهاية فى غريب الحديث والأثر، چاپ اول، بيروت، مكتبة العلمية
۵. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم،(۱۴۰۶ ق) منهاج السنة النبويه، تحقيق : محمد رشاد سالم، بی جا، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية
۶. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد(۱۴۱۶ ق) مسند أحمد بن حنبل، محقق احمد محمد شاكر، چاپ اول، قاهره، دار الحديث،
۷. ابن سعد بن منيع بغدادى، محمد(۱۴۱۰ ق)، الطبقات الكبرى، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن على(۱۳۷۹ ق)، مناقب آل ابى طالب، مصحح آشتياني و رسولی، چاپ اول، قم، علامه
۹. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف(۱۴۱۲ ق)، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، چاپ اول، بيروت، دار الجليل
۱۰. ابن عساکر، ابوالقاسم(۱۴۱۵ ق)، تاريخ مدينة دمشق، چاپ اول، بيروت، دار الفكر
۱۱. ابن قدامه، عبدالله بن احمد،(بی تا) المغنى، چاپ اول، بيروت، دارالكتاب العربى للنشر و التوزيع
۱۲. ابن كثير، عمادالدين(۱۳۹۸ ق) البداية و النهاية، چاپ اول، بيروت، دار الفكر
۱۳. ابن منظور، محمد بن مكرم(۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چاپ سوم، لبنان، دار صادر
۱۴. ابن هشام حميرى، ابو محمد عبدالملك،(بی تا)، السير النبويه، چاپ اول، بيروت، دارالمعرفة
۱۵. ابن عبدربه، احمد(۱۴۰۷ ق)، العقد الفريد، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية
۱۶. اخطب خوارزم، موفق بن احمد(۱۴۲۳ ق)، مقتل الحسين(ع)، چاپ دوم، قم، انوار الهدى
۱۷. اخطب خوارزم، موفق بن احمد(۱۴۱۱ ق)، المناقب، چاپ دوم، قم، موسسه النشر الاسلامى

١٨. اربلي، علي بن عيسى (١٣٨١ ق)، كشف الغمّة في معرفه الأئمّه، تبريز، چاپ اول، بنى هاشمى
١٩. البانى، محمد ناصر الدين، (١٤١٢ ق) السلسله الضعيفه، چاپ اول، رياض، مكتبة المعارف
٢٠. بخارى، ابو عبدالله محمد (١٤١٠ ق) صحيح البخارى، چاپ دوم، مصر، لجنة إحياء كتب السنه
٢١. بلاذرى، احمد بن يحيى (١٤١٧ ق) أنساب الأشراف، چاپ اول، بيروت، دارالفكر
٢٢. ترمذى، ابو عيسى محمد (١٤١٩ ق) السنن، محقق شاکر، چاپ اول، قاهره، دارالحدیث
٢٣. جوهرى، ابو نصر (١٤٠٧ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه، چاپ اول، بيروت، دارالعلم
٢٤. حجاج نيشابورى، مسلم، (١٤٢٤ ق)، صحيح مسلم، چاپ اول، بيروت، داراحياء التراث العربى
٢٥. حسانى، عبیدالله بن عبدالله (١٤١١ ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، چاپ اول، تهران، مؤسسه الطبع و النشر
٢٦. حنبل بغدادى، احمد، (١٤٠٠ ق) مسند، چاپ دوم، بيروت، المكتب الاسلامى
٢٧. خطيب بغدادى، احمد (١٤١٧ ق) تاريخ بغداد، چاپ اول، لبنان، دار الكتب العلميه
٢٨. دهخدا، على اكبر (١٣٣٧) لغت نامه، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران
٢٩. دينورى، ابو حنيفه (١٣٧٣) الأخبار الطوال، چاپ اول، قم، منشورات الشريف الرضى
٣٠. ذهبى، محمد بن احمد (١٤١٣ ق)، تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، چاپ اول، بيروت، دار الكتاب العربى
٣١. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (١٤١٦ ق) المفردات، چاپ اول، تهران، دارالقلم
٣٢. رضى، ابوالحسن (١٤١١ ق)، نهج البلاغه، محقق صبحى الصالح، چاپ اول، بيروت، دارالكتاب البنانى
٣٣. سخاوى، عبدالرحمن، (بى تا) مقاصد الحسنه، چاپ اول، بى جا، دارالكتاب العربى
٣٤. سرخسى، محمد بن احمد، (بى تا) الاصول، چاپ اول، بيروت، دارالمعرفه
٣٥. صدوق، محمد بن على (١٤٢٥ ق)، علل الشرائع، چاپ اول، قم، مكتبه الحيدريه
٣٦. صفدى، صلاح الدين خليل بن ايبك (١٤٢٠ ق) الوافى بالوفيات، چاپ اول، بيروت، دار إحياء التراث
٣٧. طبرانى، سليمان بن احمد (١٤٠٤ ق) معجم الكبير، چاپ دوم، قاهره، مكتبة ابن تيمية
٣٨. طبرى، محمد بن جرير (١٤١٣ ق)، دلائل الامامه، چاپ اول، قم، بعثت
٣٩. عجلونى، اسماعيل بن محمد، (١٣٥١ ق)، كشف الخفاء و مزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس، چاپ اول، قاهره، مكتبة القدسى
٤٠. عميد، حسن، لغت نامه (١٣٦٠) چاپ دوم، امير كبير، تهران
٤١. فراهيدى، خليل بن احمد (١٤٠٨ ق) العين، چاپ اول، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات
٤٢. قمى، عباس (١٣٩٢) سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، چاپ هفتم، تهران، اسوه
٤٣. كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٤٢)، الكافى، چاپ اول، تهران، المكتبة الاسلاميه

- ٤٤ . مبار كفورى، محمد عبدالرحمن، (١٤١٠ق)، تحفة الاحوذى، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه
- ٤٥ . متقى هندی، علاءالدين (١٤١٩ق)، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه
- ٤٦ . مسعودى، على بن الحسين (بى تا)، التنبیه و الاشراف، چاپ اول، مصر، دارالصاوى
- ٤٧ . مسعودى، على بن حسين (١٤٠٩ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ اول، بيروت، دارالهجره
- ٤٨ . معين، محمد (١٣٨٤)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، نامن
- ٤٩ . مفيد، محمد (١٤١٣ق)، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول، قم، كنگره شيخ مفيد
- ٥٠ . مناوى، محمد (١٣٥٦ق)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، چاپ اول، قاهره، المكتبة التجارية الكبرى
- ٥١ . نيشابورى، مسلم بن حجاج (١٤١٢ق) صحيح مسلم، محقق عبدالباقي، چاپ اول، قاهره، دارالحدیث
- ٥٢ . هيثمى، على بن ابى بكر، (١٤١٤ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، چاپ دوم، قاهره، مكتبة القدسى
- ٥٣ . يعقوبى، احمد بن اسحاق (١٤٢٢ق)، تاريخ يعقوبى، چاپ اول، بيروت، دارصادر